

یکبار دیگر

((تور خورده اند))

دیروز ۱۶ دسمبر مسوولین میدان هوایی اسلام آباد از رفتن وزیر دفاع برحال پاکستان به بیرون از کشور آنهم به چین (دومین ولی نعمت دولت پوشالی) و آنهم برای تحویل گیری کشتیهای جدید جنگی، جلوگیری کردند. آگاهان سیاسی پس از شنیدن این خبر، بحران دورانی و بی نظمی زودرسی را در پاکستان انتظار دارند. در قدم اول این پرسش پیش میآید که چه کسی این زور و قدرت را دارد که از رفتن وزیر دفاع یعنی مسوول و آمر تمام نیروهای مسلح کشور جلوگیری کند؟ پاسخ روشن است که در پاکستان نه رییس جمهور، نه صدراعظم، نه وزیر جنگ و نه ... حکومت میکنند، بلکه این آی . اس . آی (اداره ی استخبارات نظامی) و رییس ستاد مرکزی نیرو های مسلح (لوی درستیز) است که حرف آخر را میزنند و اگر "ریگ زیر دندان شان بیاید" میتوانند دنیا را زیر و رو کنند.

و اما اصل راز و حقیقت در جای دیگری نهفته است. در پاکستان درطول شصت و دو سال موجودیتش هیچگاهی دولتی که کمترین نماینده گی از مردم نموده و از منافع آنها حراست نماید، بر اریکه قدرت نیست و نبوده است. درطول همین مدت عناصری در رأس قدرت قرار داشته اند که نخست از همه مورد اعتماد و حمایت بکینگهم (قصر سلطنتی بریتانیا) بوده و دوم اینکه داخل حلقه محافظه کاران فیودال و صاحبان سرمایه تجاری و عمدتاً "جنرالان تربیه شده در پرورشگاه های مخصوص ولایت (بریتانیا) باشند. ببینید از همان آغاز تشکیل پاکستان، محمد علی جناح، دست پرورده و تحصیل کرده لندن که پس از انجام پیروزمندانه نقشه تجزیه نیم قاره در رأس قدرت تا زمان مرگ قرار گرفت، سکندر میرزا، مارشال ایوب، ذوالفقار علی بهوتو، جنرال ضیا الحق، نواز شریف، بی نظیر بهوتو، جنرال پرویز مشرف محیل و سر انجام آصف علی زرداری همه و همه از همان قماش کسانی هستند که یکی آنها نیز و هرگز از همان خط دشمنی با مردم زحمتکش و وطنخواه پاکستان دشمنی دیوانه وار با دولت ها و مردم هند و افغانستان عدول نکرده و در خدمت سیاست های انگلیس و ایالات متحده بودند و هستند.

و اما بحران در حال شکل گیری و تازه سربلند کرده فعلی، از تصادم منافع خصوصی عناصری در درون همان حلقه ناشی شده است. طرفهای درگیر اهرم قدرت (نواز شریف و حزب مسلم لیگ نواز تا ابرو ارتجاعیش، فامیل بهوتو و زرداری، در پشت پرده گروپ پرویز مشرف که از حمایت بخشی از اردو برخوردار است) میباشند.

آی. اس. آی. که با حمله به وزیرستان بهدفع درهم کوبیدن قبایل آزاد و بسط قدرت مرکزی، بدون آنکه به برادران طالب و القایده اش صدمه برسد، موافقه کرده بود، اینک از نتایج نیم بند آن، ناراضی بوده و تور خورده است. دیده شود که این تور خوردن گادی درهم شکسته پاکستان رابه کجا میبرد، به صحرای حکومت دست نشانده ویا به باستیل حکومت نظامی؟

برگشت به صفحه اصلی